



سعید الشهبانی در گفت و گو با بیت المقدس:
غرب در بحرین، حقوق
بشر را قربانی قراردادهای
تجاری اش کرده است

۳

بیت المقدس

بیت المقدس

نظریه پایان تمدن‌ها،
اهانت‌های سلمان رشدی
وامتی که همچنان زنده
است



۵

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۹ ▶ دوشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۵ ▶ ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۸ ▶ ۲۰ فوریه ۲۰۱۷

۲

همه برای فلسطین





سید حسن نصرالله: اطلاعات ما درباره نبره گاه هسته ای اسرائیل کامل است
حجت الاسلام سید حسن نصرالله پنجشنبه گذشته در مراسم سالگرد شهادت سران حزب الله گفت: ۱۵ یا ۱۶ میلیون نفر عرب اصیل و مسلمان که عضو احزاب هم نیستند دو سال است در یمن تحت محاصره ماند. نه فقط سازمان های عربی و اسلامی بلکه سازمان های ناظر بین المللی می گویند هزاران نفر از ساکنان و کودکان یمن در معرض مرگ بر اثر گرسنگی هستند. دبیر کل حزب الله ادامه داد: کاش ما در لبنان توانی داشتیم که به برادران یمنی مان کمک می کردیم. وی اظهار داشت: پادشاه بحرین باید تعدادی روان پزشک و کارشناس دعوت کرده تا به او بگویند که معنای این حرف مادر شهیدی که گفته «ما رأیت لإجمیلا» چیست؟! دبیر کل حزب الله لبنان همچنین گفت: بنده به اسرائیلیان می گویم نبره گاه هسته ای دیمونا را تعطیل کنید چون خودتان می دانید این نبره گاه قدیمی و فرسوده است و اطلاعات ما درباره اش کامل است و زندگی نیاز به قدرت موشکی بالایی ندارد.

امام جمعه شیعیان گرجستان در گفت و گو با بیت المقدس:

با وجود تلاش دشمنان، اندیشه امام خمینی (ره) در جهان اسلام در حال پیشروی است



البته اینگونه تلاش ها از سوی استعمارگران که گروه های تروریستی را حمایت می کنند نشان دهنده شکست آنها است چرا که مسلمانان با این گونه حرکت ها دوست و دشمن خود را شناخته اند. خوشبختانه پیام دیگری که انقلاب اسلامی به ما داد امید بود. امیدی که در میان مسلمانان بیدار شد و این راه را به ما نشان داد که با اندیشه اسلامی می توان همیشه غالب بود.

با وجود گروه های تروریستی تکفیری در کشورهای غرب آسیا، آینده منطقه را چگونه می بینید؟

درست است که دشمنان در تلاشند تا کشورهای مسلمان را تضعیف کنند اما نباید فراموش کرد که

آیا انقلاب اسلامی ایران توانسته است بر کشورهای منطقه و از جمله گرجستان تأثیر گذار باشد؟

انقلاب اسلامی ایران از بزرگترین انقلاب هایی است که توانسته است بر تمام کشورهای جهان و آزادی خواه از جمله گرجستان تأثیر گذار باشد. مستکبران جهان هیچ وقت نمی خواهند که کشورهای مسلمان رشد کنند ولی قیام امام خمینی (ره) اثبات کرد که با پیروی از اسلام ناب محمدی و توحید و عدالت می توان به رشد و بالندگی در جهان دست یافت.

خوشبختانه انقلاب اسلامی توانست امید و محبت را در کشورهای اسلامی زنده کند و ملت ها را متوجه این مطلب سازد که مسلمانان هم می توانند بر کشورشان

گرجستان از کشورهای کوچکی است که پس از فروپاشی شوروی استقلال یافت و بر اساس آمار غیر رسمی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند که در این میان جمعیت شیعیان حدود ۵۰۰ هزار نفر ارزیابی می شود و عمدتاً در پایتخت (تفلیس) و شهر مارنئولی ساکن هستند. مارنئولی در واقع مهم ترین شهر شیعه نشین گرجستان است که همه جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند. در ایام سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران با «حاج عزیز نبی اف» امام جمعه شهر مارنئولی به گفت و گو پرداختیم تا به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی و اندیشه امام

انقلاب اسلامی توانست امید و محبت را در کشورهای اسلامی زنده کند و ملت ها را متوجه این مطلب سازد که مسلمانان هم می توانند بر کشورشان غالب باشند، و تنها لازمه آن اراده و خواست ملت هاست که از هیمنه دشمنان ترسند و با ایمان به سمت جلو گام بردارند

خمینی (ره) در کشورهای منطقه پیردازیم. نبی اف امام جمعه شهر مارنئولی، امام جماعت مسجد امام حسین (ع) این شهر ومدیر مدرسه علمیه امام رضا (ع) است که در دوازدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (ع) به عنوان خدامان برگزیده فرهنگ رضوی انتخاب شد. وی فارغ التحصیل رشته مهندسی از مسکو بوده که علاوه بر تحصیلات حوزوی در جامعه المصطفی مدتی هم در باکو و دمشق تحصیل کرده است.

در ادامه متن این گفت و گو می آید:



غالب باشند و تنها لازمه آن اراده و خواست ملت هاست که از هیمنه دشمنان ترسند و با ایمان به سمت جلو گام بردارند. رشد بیداری اسلامی در منطقه نشان می دهد که مسلمانان این نکته را فهمیده اند و از حاکمان و دیکتاتورهای کشورشان بیزار شده اند و می خواهند کشوری مستقل و به دور از استبداد داشته باشند اما متأسفانه کشورهای استعمارگر با وجود آمدن گروه های تروریستی تکفیری داعش تلاش می کنند تا وحدت و انسجام مسلمانان در منطقه کمرنگ گردد و سدی در راه پیشرفت و بیداری اسلامی ایجاد شود.

سخن نخست

همه برای «فلسطین»

محمد مهدی رحیمی



از همان زمان که جرقه آتش افروزی و جنایت تکفیری ها در بلاد اسلامی زده شد، بودند کارشناسان هوشیاری که در پس آن دستان استکبار جهانی به سردمداری آمریکا را مشاهده کرده و هدف این بحران ها را کمرنگ کردن و حتی به فراموشی سپردن مسأله اصلی جهان اسلام یعنی اشغال سرزمین فلسطین می دانستند. در همین چارچوب رهبر معظم انقلاب فرمودند: «مسأله اصلی مسأله رژیم صهیونیستی است؛ مسأله اصلی، مسأله قدس است؛ مسأله اصلی، مسأله قبله اول مسلمین مسجداقصی است؛ اینها مسأله اصلی است.» البته تاریخچه تلاشها برای انحراف افکار و اهداف مسلمانان از مسأله فلسطین به روزگار اخیر بازمی گردد و همواره از سوی حامیان غربی صهیونیست ها دنبال شده اما در سالهای اخیر این اتفاق با میدان داری برخی حکام اسلامی در حال وقوع است. اگر روزگاری ارتباط با اشغالگران قبله اول مسلمین، قبحی عظیم داشت این روزها عده ای در قامت خادم الحرمین الشریفین و اندامش ایایی از این ندارند که میزبان صهیونیست ها در بلاد اسلامی باشند و حتی با آنها محفل میگساری برگزار کنند. رخدادی که رمضان عبدالله دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین هم به آن اشاره می کند: «متأسفانه برخی دولتهای عرب از قضیه فلسطین دست کشیده و برای هم پیمانی با رژیم صهیونیستی از یکدیگر سبقت می گیرند.»

این روزها تلاش های متعددی برای «عادی سازی روابط با اسرائیل» صورت می گیرد. اقداماتی که به موازات تحرکات میدانی تروریستهای تکفیری در سرزمین های اسلامی انجام می شود تا در حالی که افکار عمومی مسلمانان درگیری زناغ هایی است که به دروغ درگیری طایفهای معرفی شده، صهیونیست ها به عنوان دشمن مشترک تمامی مسلمانان بر خرد مراد سوار شده و شادمان در برخی بلاد اسلامی جولان دهند. اما این همه ماجرا نیست و سیر تحولات علی رغم تمامی هزینه کردن ها و برنامه ریزی های جریان عبری - عربی، سمت و سوهای دیگری هم پیدا کرده است. موضوعی که رهبر انقلاب در دیدار دو ماه قبل با رمضان عبدالله اینگونه بدان اشاره کردند: «با وجود بحران آفرینی مستمر حامیان رژیم صهیونیستی برای به فراموشی سپرده شدن مسأله فلسطین، این سرزمین شریف به برکت مقاومت و مجاهدت ملت و گروه های فلسطینی، آزاد خواهد شد.»

اگر چه به هیچ وجه نمی توان تأثیر بحران های جاری منطقه غرب آسیا بر کاهش توجهات به فلسطین و جنایات صهیونیست ها را انکار کرد، اما طراحان این بحران ها به هدف حداکثری خود که فراموشی کامل مسأله فلسطین و جلب جایی اولویت های مسلمین بودند، نرسیدند. در چنین شرایطی و در حالیکه محور مقاومت بر مدار توفیقات مختلف در سوریه و لبنان و یمن به پیش می رود، تهران در هفته جاری «میزبان ششمین کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین» است. اجلاسی که سابقه آن به دهه ۶۰ و مصوبه مجلس شورای اسلامی باز می گردد. کنفرانس تهران علی رغم همه کارشکنی های محور عبری - عربی که با میدان داری آل سعود صورت گرفته، با حضور حدود ۷۰۰ میهمان برگزار خواهد شد. میهمانانی با ترکیب های متنوع از قریب به ۱۰۰ کشور جهان، که در میان آنها از روسای مجلس تا رهبران نهضت های مقاومت و جوانان انقلابی از غزه و کرانه باختری دیده می شود.

برگزاری این اجلاس با یکصدمین سالگرد انتشار بیانیه بالفور همزمان است. بیانیه ای که سرآغاز تلاش غربی ها در عرصه بین الملل برای تاسیس کشور جعلی اسرائیل به شمار می رود. از سوی دیگر هفتادمین سالگرد اشغال سرزمین فلسطین هم در پیش است. اینها حسن تصادف هایی برای پرداختن بیشتر به کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین است. اما مهمترین مسأله در خصوص این کنفرانس شرایط خطیر منطقه است؛ در کنار تلاش برخی حکام وابسته و بی اراده عرب در جهت عادی سازی روابط با صهیونیست ها، مانور رسانه ای برای وارونه نشان دادن حقیقت، تخریب چهره جمهوری اسلامی ایران و زیر سؤال بردن اقدامات کشورمان در حمایت از محور مقاومت هم قابل توجه است.

دشمن به این کنفرانس به چشم یک کارناوال یا جشنواره تشریفاتی نگاه نمی کند بلکه می بیند که ایرانی که حامی محور مقاومت است، علی رغم همه مشکلات دوباره موفق شده که میزبان همه طرف های مرتبط با شعار فلسطین باشد. خصوصاً که بر اساس اخبار اعلام شده این اجلاس در سطح بالاتری از همه دوره های پیشین برگزار می شود. شعار ششمین کنفرانس نیز «همه برای فلسطین» انتخاب شده تا بار دیگر تأکیدی باشد بر نگاه انقلاب اسلامی به اهمیت مسأله آزادی قدس شریف و قبله اول مسلمین.

قلب زمین

رژیم های جهان هستند، اما با این حال چشم بر روی ارزشهای دموکراتیک و مدرن خودشان در حکومت داری و حقوق بشر می بندند.

دلیل دوم: طمع و رزوی این قدرت هاست که می خواهند از این رژیم های عقب مانده و دیکتاتوری تا زمانی که قابلیت بهره برداری به عنوان یک منبع انرژی و تجارت اقتصادی دارند، حمایت کنند و از آنجا که این کشورها به ویژه عربستان، امارات، کویت و قطر و بحرین نفت دارند و منبع تجارت و درآمد مالی برای غربی ها به شمار می آیند، غربی ها حاضر نیستند روابط شان با این کشورها را فدای ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر کنند.

برای همین است که امروز شاهد سرمایه گذاری های عظیم کشورهای حاشیه خلیج فارس در انگلستان هستیم. کافی است به خیابانهای لندن بروید؛ می بینید که ساختمان های بزرگ، استادیوم های فوتبال و هر سرمایه گذاری بزرگی که وجود دارد این کشورها در آن سهم هستند.

دلیل سوم: تصور غلط کشورهای غربی است که فکر می کنند ثبات و امنیت منطقه در گرو حفظ این حکومت های مبتنی بر سلطنت مطلقه است. در حالیکه امنیت و ثبات بدون مردمسالاری ممکن نیست و دستاوردهای دیکتاتوری ها همانطور که طی دهه اخیر دیدیم چیزی جز افراط گرایی و گسترش تروریسم نبوده است. اگر غرب واقعا خواستار صلح و ثبات و مبارزه جدی با تروریسم است نباید از این رژیم های استبدادی حمایت کند.

عکس العمل نهادهای بین المللی در برابر سرکوبگری های آل خلیفه را چطور ارزیابی می کنید؟

متأسفانه شاهد دورویی و برخورد براساس معیارهای دوگانه از سوی این نهادها هستیم. همه می دانند که رژیم آل خلیفه مردم را می کشد. آنها می دانند که معترضین بحرینی به خاطر بیان اندیشه شان در زندان هستند. این نهادها می دانند که مردم خارج از حاکمیت قانون کشته می شوند و فقط یک اقلیتی هستند که بر اکثریت معترض و مخالف با زور سر نیزه حکومت می کنند و می دانند که این رژیم ابتدایی ترین حقوق شهروندان را زیر پامی گذارد و با آوردن عناصر خارجی و اعطای شهروندی به آنها سعی در برهم زدن ترکیب جمعیتی دارد. همچنین روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر تحت تعقیب هستند به ویژه نبیل رجب که از برجسته ترین فعالان در این

قدرت های غربی وقتی نوبت به عربستان و بحرین و کشورهای متحدشان می رسد، علیرغم اینکه می دانند اینها استبدادی ترین رژیم های جهان هستند، اما با این حال چشم بر روی ارزشهای دموکراتیک و مدرن خودشان در حکومت داری و حقوق بشر می بندند

زمینه است. همه می دانند که این رژیم استبدادی و قبیله ای با هر نوع حقوق برای شهروندان به ویژه آزادی های سیاسی مخالف است و برای همین است که امروز شیخ علی سلمان را زندانی می کنند. لذا نهادهای بین المللی خوب می دانند که این نظام مردم را به شدت سرکوب می کند اما همه را نادیده می گیرند.

◀ «یحیی سنوار» رهبر حماس در غزه شد

هفته گذشته انتخابات تعیین مسوول جنبش حماس در نوار غزه برگزار شد.

در این انتخابات یحیی سنوار جای اسماعیل هنیه را به عنوان مسوول و رهبر جنبش حماس در نوار غزه گرفت و خلیل الحیه از رهبران حماس نیز معاون وی شد. سنوار در این انتخابات موفق به کسب تمامی آرا در سطح استان خان یونس شد و خلیل الحیه نیز بیشترین آرا را در شرق غزه بدست آورد و بر روحی مشتهی از رهبران حماس و نزدیک به یحیی سنوار پیش افتاد. یحیی السنوار اسیری آزاده فلسطینی است که به موجب قرارداد وفاداری با آزادگان آزاد شد. او به محض آزادی از زندان های رژیم صهیونیستی به عنوان مشاور اسماعیل هنیه نائب رئیس دفتر سیاسی حماس و مسوول پرونده نظامیان اسیر اسرائیلی نزد گردان های شهید عزالدین قسام انتخاب شد و مسوول پرونده مذاکرات بر سر مبادله اسرا با رژیم صهیونیستی خواهد بود.



سعید الشهبانی در گفت و گوی تفصیلی با بیت المقدس:

غرب در بحرین، حقوق بشر را قربانی قراردادهای تجاری اش کرده است



سالهای ۹۶-۱۹۹۴ میلادی شاهد قیام و خیزش مردمی در بحرین بودیم و حتی در جریان تلاش ها برای ایجاد تغییر و اصلاحات بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۷۳ در دهه های ۷۰ و ۸۰ هم مشارکت داشتیم، اما این رژیم ثابت کرد که اصلاح پذیر نیست. **چرا قدرت های غربی به ویژه انگلستان و آمریکا علیرغم اینکه می دانند حکومت بحرین ناقض حقوق بشر است همچنان به حمایت و پشتیبانی خود از این رژیم ادامه می دهند؟** چند دلیل وجود دارد: اول عدم التزام و وفاداری واقعی این قدرتها به اصول و ارزش های مورد ادعایشان

پذیر بودن رژیم فاسد آل خلیفه نا امید شده اند و دیگر مجالی برای اصلاحات باقی نمانده است. مردم روش های مختلف اصلاح این رژیم را طی پنجاه سال گذشته امتحان کرده اند و آل خلیفه از سال ۱۹۲۲ تا امروز بیش از ۹۰ سال فرصت داشته که دست به اصلاحات لازم بزند اما امروز برای همه روشن شده که دیگر اصلاح در این رژیم ممکن نیست. در واقع هیچ یک از رژیم های استبدادی و دیکتاتوری در جهان تن به اصلاحات ندادند. ما نمی توانیم از یک نظام استبدادی و سرکوبگر انتظار اصلاح و دادن آزادی بیان داشته باشیم. هر تلاشی برای ایجاد اصلاحات در

سه شنبه گذشته ششمین سالگرد آغاز حرکت انقلابی مردم بحرین موسوم به جنبش ۱۴ فوریه بود در حالیکه بحرین در روزهای اخیر با اتفاقات مهمی روبرو بوده و هست؛ اعدام سه جوان بحرینی به اتهام واهی حمله به پلیس بحرین و قتل یک افسر اماراتی و از همه مهم تر سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم و محاصره منطقه محل سکونت ایشان که البته برگزاری دادگاه شیخ به دلیل مقاومت ملت بحرین به تعویق افتاده است، همه و همه رنگ و بوی دیگری به فضای کنونی بحرین و انقلاب مردمی آن بخشیده است. علیرغم شش سال فریاد آزادیخواهی ملت بحرین، رژیم آل خلیفه به پشتیبانی حامیان سعودی، آمریکایی و انگلیسی اش همچنان به سرکوب مردم و اعدام و زندانی کردن فعالان و معترضان سیاسی ادامه می دهد تا جایی که بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند این رژیم هیچ جای اصلاحی باقی نگذاشته و مردم بحرین گزینه ای جز انقلاب و براندازی این ساختار حکومتی فاسد در پیش رو ندارند. در گفت و گو با «سعید الشهبانی» معارض برجسته بحرینی و کارشناس سرشناس مسایل منطقه که ساکن لندن است، آخرین اوضاع انقلاب بحرین و اقدامات سرکوب گرایانه آل خلیفه را مورد بررسی قرار دادیم:



چنین رژیم هایی بی فایده و بی ثمر است. لذا خواسته مردم از ابتدا روشن بوده و هست و آن یک انقلاب بنیادین در ساختار سیاسی بحرین است چرا که این وضعیت برای مردم غیر قابل تحمل است. مردم راه اصلاحات را هم آزموده اند و اگر امکان داشت از آن دریغ نداشتند. ما در دهه ۱۹۹۰ و به ویژه بین

چنین رژیم هایی بی فایده و بی ثمر است. لذا خواسته مردم از ابتدا روشن بوده و هست و آن یک انقلاب بنیادین در ساختار سیاسی بحرین است چرا که این وضعیت برای مردم غیر قابل تحمل است. مردم راه اصلاحات را هم آزموده اند و اگر امکان داشت از آن دریغ نداشتند. ما در دهه ۱۹۹۰ و به ویژه بین

هدف مردم بحرین از ادامه تظاهرات و اعتراض ها چیست؟ آیا آنها به دنبال اصلاحات در ساختار سیاسی فعلی بحرین هستند یا در پی سرنگونی این رژیم و برپایی نظامی نو می باشند؟

از همان ابتدای حرکت انقلابی مردم بحرین در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ مشخص بود که این ملت از اصلاح



حضور هیأت بلندپایه حماس در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین

«علی برکه» نماینده حماس در بیروت از مشارکت حماس با یک هیأت بلندپایه در کنفرانس حمایت از انتفاضه که فردا سه شنبه در تهران برگزار می شود، خبر داد. وی افزود: حماس از سوی مجلس شورای اسلامی ایران دعوتنامه‌ای برای مشارکت در کنفرانس حمایت از انتفاضه دریافت کرده و به طور حتم با هیأتی بلندپایه در آن مشارکت خواهد کرد. وی البته از اعلام اسامی هیأت حماس خودداری کرد اما تأکید کرد که هیأت حماس در بالاترین سطح در تهران حاضر خواهد شد. علی برکه همچنین از حضور احتمالی «عزیز الدویک» رئیس مجلس قانونگذاری فلسطین و «احمد بحر» نایب رئیس مجلس قانونگذاری فلسطین در ششمین کنفرانس حمایت از انتفاضه در تهران خبر داد. ششمین کنفرانس بین المللی انتفاضه فلسطین از سوم تا پنجم اسفندماه با حضور گسترده شخصیت‌های بین المللی در تهران برگزار می شود. شعار ششمین کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین «همه برای فلسطین - معادعهم فلسطین» «All for Palestine» تعیین شد.

رامین حسین آبادیان



بسیج بوق‌های تبلیغاتی علیه مقاومت؛ از دروغ پراکنی تا جلوه وارونه واقعیت



سالهاست که ایالات متحده آمریکا به همراه هم‌پیمانان غربی - عربی خود گروه تروریستی - تکفیری داعش را با هدف زمین گیر کردن جبهه مقاومت در منطقه تشکیل داده است. این گروه تروریستی در طول حدود ۱۰ سال گذشته جنایتهای فراوانی را در منطقه و به ویژه در سوریه و عراق مرتکب شده است. در واقع، داعش در حال حاضر به نیابت از استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا در حال نبرد با نیروهای مقاومت در منطقه است.

در حالی که حامیان غربی - عربی داعش امید زیادی به این گروه تروریستی برای ضربه وارد کردن به جبهه مقاومت در منطقه بسته بودند، پایداری و ایستادگی ستودنی نیروهای مقاومت در برابر این گروه و دیگر گروه‌های هم‌پایه آن به ویژه در سوریه تمامی معادلات را در عرصه میدانی برهم زد، به گونه‌ای که کفه ترازو به نفع محور مقاومت سنگینی کرد.

سلسله شکست‌های مفتضحانه سالهای اخیر تروریست‌های داعش در عرصه میدانی در سوریه و عراق، موجب شده است تا حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی این گروه برای ایجاد «جنگ روانی» و «فضاسازی تبلیغاتی» علیه مقاومت و با هدف سرپوش نهادن بر جنایتهای وحشیانه علیه غیرنظامیان و همچنین دادن آدرس غلط به افکار عمومی داخلی و خارجی، در سطح وسیعی به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وابسته به خود متوسل شوند.

از جمله رسانه‌هایی که مثلث شوم آمریکا، انگلیس و صهیونیسم حساب ویژه‌ای روی آنها باز کرده‌اند، می‌توان به العربیه، الجزیره، الحدث، بی بی سی، دوپچه وله، روتترز، سی ان ان و ... اشاره کرد. مأموریت اصلی این رسانه‌ها لجن پراکنی علیه محور مقاومت از طریق شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی و «بازتاب وارونه واقعیت‌هایی» است که در عرصه تحولات میدانی در جریان هستند.

نمونه‌های فراوانی از تلاش مذبوحانه بوق‌های تبلیغاتی آمریکا و غرب برای وارونه جلوه دادن واقعیت وجود دارد که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. به عنوان مثال، چندی پیش رسانه‌های وابسته به محور غربی - عربی تصویری از یک دختر بیچاره را منتشر و ادعا کردند که وی به دلیل گرسنگی ناشی از اعمال محاصره ارتش سوریه بر شهر «مضایا» به وضعیت جسمانی وخیمی دچار شده است.

این در حالی است که یک جستجوی بسیار کوتاه و ساده در اینترنت نشان می‌دهد که این کودک نه از ساکنان شهر مضایا که از جمله کودکان پناهنده در شهر امان، پایتخت اردن بوده که حتی شبکه سعودی العربیه نیز در سال ۲۰۱۴ از وی به عنوان موناالیازی سوریه یاد کرده است.

علاوه بر این، برخی از شبکه‌های اجتماعی همواره با انتشار تصاویر مختلف از قربانیان غیرنظامی، مدعی می‌شوند که ارتش سوریه اقدام به اعدام دسته‌جمعی آنها در شهرهای تحت سیطره خود کرده است. نکته قابل تأمل در این زمینه این

است که بسیاری از این تصاویر در حالی توسط شبکه‌های اجتماعی ضد مقاومت مورد استناد قرار می‌گیرند که پیشتر با عناوینی دیگر منتشر شده‌اند! در همین راستا، رسانه سعودی الحدث نیز پس از تسلط ارتش سوریه بر حلب، تصویری را منتشر و از آن به عنوان جنایت ارتش سوریه یاد کرد. با این حال، مشخص شد که تصویر ارائه شده عیناً همان تصویری است که پیشتر به دنبال جنایت تکفیریها علیه غیرنظامیان سوری ساکن منطقه «خان العسل» منتشر شده بود.

فرد، نه تنها توسط حزب الله به سوریه اعزام نشده، بلکه در جریان یک انفجار تروریستی در شهر بیروت به شهادت رسیده است. رسانه‌های حامی تکفیریها که بخش عمده‌ای از آنها از دلارهای نفتی سعودی و قطر تغذیه می‌شوند، در کنار جنگ زدن بر چهره واقعیت‌های عینی که جلگی حکایت از قدرت محور مقاومت در منطقه دارند، با هدف تضعیف جبهه مقاومت به دروغ‌پردازی علیه عناصر اصلی این جبهه می‌پردازند. در همین ارتباط، چندی پیش روزنامه

اسد با اعضای یک هیأت از پارلمان بلژیک و هیأتی از مجلس دوما روسیه دیدار و گفتگو کرد تا بدین ترتیب خط بطلانی بر تمامی دروغ‌های از پیش برنامه‌ریزی شده رسانه‌های مورد حمایت آمریکا و غرب، کشیده شود.

همزمان با انعکاس وارونه واقعیت برای خدشه وارد کردن به چهره محور مقاومت در نزد افکار عمومی منطقه و جهان، تروریست‌های تکفیری داعش نیز شایعه‌پراکنی‌های بی‌پایه و اساس در سوریه و عراق را با هدف تضعیف روحیه نیروهای مقاومت، در دستور کار خود قرار داده‌اند. در همین راستا تروریست‌های داعش حدود سه ماه پیش شایعه مضحکی را در استان نینوا پخش کردند. اعضای این گروه تروریستی در بلندگوهای نینوا اعلام کردند که حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، توسط عناصر این گروه ترور شده است.

در واقع گروه تروریستی داعش با هدف تقویت روحیه از دست رفته و درهم شکسته عناصر خود از یک سو و تضعیف روحیه بالای نیروهای عراقی در نبرد با تروریسم از سوی دیگر، دست به این شایعه‌سازی تعجب‌برانگیز زد تا شاید بتواند بدین‌سان از باتلاقی که نیروهای عراقی در نینوا برای آن تداریک دیده‌اند، رهایی یابد.

در هر صورت، متوسل شدن کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی حامی تروریسم و در رأس آنها عربستان سعودی، قطر، آمریکا و انگلیس به بوق‌های تبلیغاتی و شبکه‌های اجتماعی وابسته به خود برای تحریف واقعیت‌ها و همچنین اصرارشان بر دروغ‌پردازی با هدف ایجاد جنگ روانی، تنها حامل پیام ورشکستگی گروه‌های تروریستی - تکفیری در مواجهه نظامی با محور مقاومت و ناتوانی آنها از ایستادگی در برابر نیروهای مقاومت در عرصه میدانی است.

لبنانی المستقبل مدعی شد که بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه دچار سکت قلبی شده و سپس به بیمارستان انتقال یافته است. پس از دروغ‌پردازی آشکار این روزنامه وابسته به جریان غرگرایی لبنان، شبکه العربیه نیز در اقدامی هماهنگ و به منظور دامن زدن به این دروغ‌پردازی اعلام کرد که احتمال کشته شدن بشار اسد در جریان یک سوء قصد وجود دارد! با این حال، پس از گذشت ساعات اندکی از دروغ‌پردازی‌های رسانه‌های معلوم الحال، بشار

علاوه بر این، در راستای همین جنگ رسانه‌ای گسترده بود که چندی پیش پایگاه خبری «عربی ۲۱» با انتشار تصویری از یک زن که عکس فرزند خود را در دست داشت، مدعی شد که این زن خطاب به حزب الله لبنان فریادی زد که فرزندش را از سوریه بازگردانند. این در حالی است که روزنامه الأخبار لبنان ماه‌ها پیش تصویر این زن و فرزندش را در صفحه اصلی خود منتشر کرده بود؛ تصویری که متعلق به مادر «سامر عبدالکریم» شهید لبنانی بود. طبق گزارش روزنامه الأخبار این

برخی از شبکه‌های اجتماعی همواره با انتشار تصاویر مختلف از قربانیان غیرنظامی، مدعی می‌شوند که ارتش سوریه اقدام به اعدام دسته‌جمعی آنها در شهرهای تحت سیطره خود کرده است. نکته قابل تأمل در این زمینه این است که بسیاری از این تصاویر در حالی توسط شبکه‌های اجتماعی ضد مقاومت مورد استناد قرار می‌گیرند که پیشتر با عناوینی دیگر منتشر شده‌اند!

اسلام انقلابی

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و تمدنی متعددی برای مسلمانان و حتی تمامی کشورهای جهان در پی داشته است.

در نگاه اولیه و بر اساس ادعای آمران و عاملان حادثه ۱۱ سپتامبر، این رخداد، واکنشی به حضور ناموجه و جنایت‌های آمریکا به طور کلی تمدن غرب، در اراضی مسلمین بود؛ رخدادی که در صورت پذیرش چنین برداشت سطحی، قلب هر مسلمان ستم‌پدیده‌ای را شاد کرده و به آینده‌ام امیدوار خواهد کرد.

این در حالی است که بدون ورود به نفس این حادثه و صرفاً با نگاهی کمی به تاریخ، می‌توان دید ۱۱ سپتامبر، مقدمه آسیب‌ها و ضربات جبران‌ناپذیری به غرب آسیا به طور جزئی و جهان اسلام به طور کلی بوده است.

البته مواجهه تمدن اسلامی با غرب در این الگو خلاصه نشده و نمونه فتوای امام علیه‌السلام رشدی، بهترین دلیل بر این مدعاست؛ در این الگو، امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب نوپای اسلامی، بر اساس مبانی فقهی، اعدام رشدی را به دلیل اهانت به مقدسات اسلامی واجب دانسته و فرمان به قتل وی می‌دهد.

حادثه‌ای که هر چقدر هم خبر ساز شده باشد، اما از قضا هرگز وزنی همچون ۱۱ سپتامبر نزد رسانه‌های غربی نیافته است.

اگر بخواهیم این دو گونه مواجهه با نقض حریم تمدن اسلامی از سوی غرب را مقایسه کنیم، به طور اختصار به دو تفاوت عمده بر خواهیم خورد:

در رویکردی که القاعده نمایندگی آن را به عهده دارد، وزن قربانیان غربی که هیچ نقشی در طراحی سیاست‌های خصمانه نسبت به جهان اسلام ندارند، بسیار پررنگ است. آنان در اقدامات خود به شهروندان غربی حمله کرده و جهاد را اینگونه تفسیر می‌کنند، حال آنکه تا به امروز حاضر به مقاومت علیه رژیم صهیونیستی در منطقه خود و در قلب سرزمین‌های اسلامی نشده‌اند.

این در حالی است که در الگوی جمهوری اسلامی، که امام خمینی (ره) آن را نمایندگی کرده و در فتوای سلمان رشدی عینیت می‌یابد، شخص خاطی و آنکه نقض حریم کرده مورد هدف قرار می‌گیرد، نه شهروندان بی‌دفاع.

از سوی دیگر، رویکرد القاعده، نه تنها هیچ ذهن سالمی را در حق بودن امت اسلامی قانع نکرد، بلکه بهانه‌ای کم نظیر به قدرت‌های غربی داد تا طی سالیان آینده، هر آنچه در توان داشتند، برای ضربه زدن به آینده تمدن اسلامی به کار گیرند. (امری که اگر از سطح نگاه تمدنی به استراتژیک نزول کنیم، ارتباط امنیتی جریان‌های همچون القاعده با غرب را به سادگی روشن می‌کند).

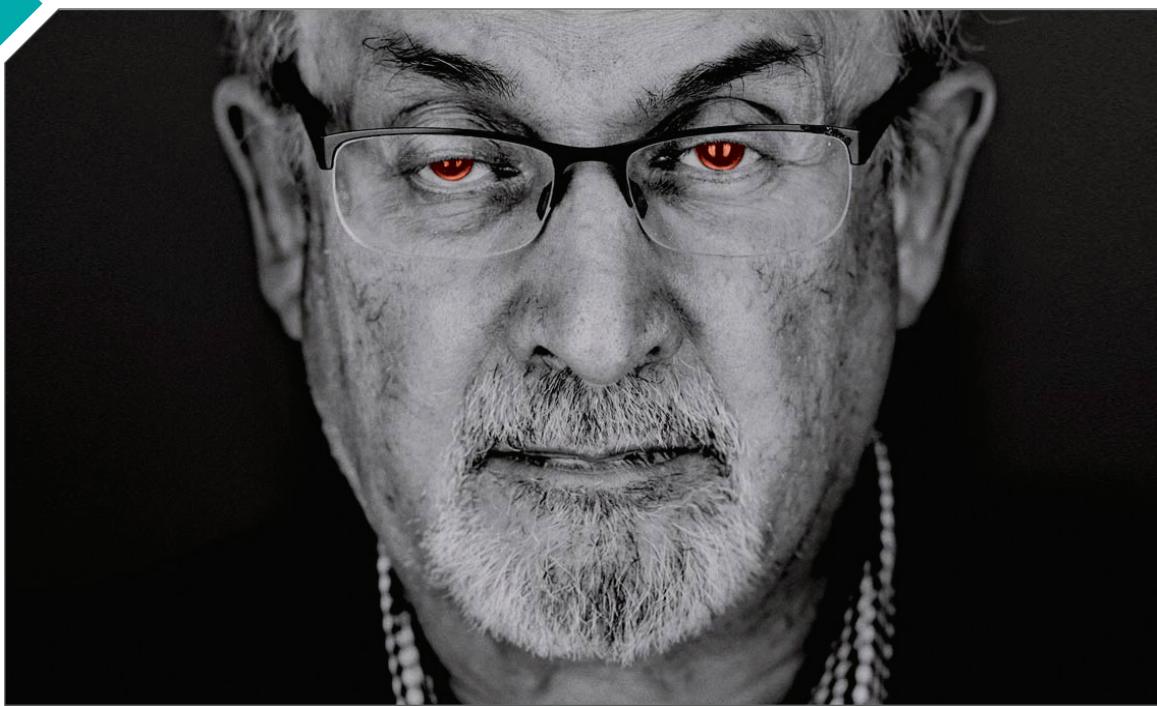
این در حالی است که در مواجهه و فتوای امام، نفس رویکرد، هدف را محقق کرده، حتی اگر هدف به صورت عینی اتفاق نیفتد و رشدی ترور نشود، چرا که او به عنوان فردی گستاخ، فرصت زندگی مطلوب را از دست داده و این در حالی است که غرب، به جز اندک جبهه‌گیری‌های رسانه‌ای، نتوانست هیچ اقدام ویژه‌ای در برهم زدن این وضع انجام دهد، بنابراین اهداف هشدار گونه این رویکرد محقق شده است.

تمامی این‌ها در حالی است که متن جامعه غربی نیز حاضر به دفاع و یا حتی همراهی با سلمان رشدی نشد و کار به جایی رسید که خطوط هوایی اروپایی، حاضر به حمل و نقل وی نبودند! (مقایسه این دستاورد با وضعیتی که ترورهای شارلی ابدو در فرانسه رقم زد بسیار قابل تأمل است).

آری، باید از مسأله سلمان رشدی و موضع امام در مقابل وی دفاع کرده و از آن بافتخار یاد کرد، چرا که فریاد ناب‌بیداری و احیای امت اسلامی است، امتی که می‌خواهد بگوید ما هنوز زندامیم و اجازه هیچ گونه دست‌درازی به حوزه‌های تمدنی خود را نمی‌دهیم.

◀ سیواوش فلاح پور

نظریه پایان تمدن‌ها، اهانت‌های سلمان رشدی و امتی که همچنان زنده است



به این ترتیب، می‌توان گفت، اهمیت و نقش اقدامات سلمان رشدی، در جایگاه خود، دست کمی از اقدامات رهبران سیاسی و یا فرماندهان نظامی غرب علیه منافع ملت‌های مسلمان ندارد، بلکه هدف هر دو آن‌ها، حواله کردن آخرین ضربه‌ها به پیکر بی‌جان یک تمدن است تا مطمئن باشند که در راه تاراج منابع و سرمایه‌های آن، با هیچ مقاومتی روبرو نخواهند شد.

مبنایی که به تقدیر الهی با شکست مواجه شد و حامیان آن را ناچار به حرکت از «پایان تاریخ»، به «برخورد تمدن‌ها» کرد!

بعدها دیگر این صحنه، که شاید برای مسلمانان از اهمیت بیشتری نیز برخوردار باشد، نحوه مقابله و مقاومت علیه تعدی و دست‌درازی غرب، به حریم تمدن

اولین نکته‌ای که در این زمینه جلب نظر می‌کند، همزمانی تاریخی نگارش آیه‌های شیطانی با طرح نظریه پایان تمدن هاست! البته ما در اینجا به هیچ عنوان به دنبال یافتن سرخ‌های تاریخی بر اساس همزمانی‌های اینچنینی نیستیم، چرا که در رویکردی تاریخی، اصولاً چنین داده‌هایی فاقد اهمیت به شمار می‌آیند. آنچه در این جا برای ما با اهمیت است، آن است که بخش‌های مختلف تمدن غرب، در برهه زمانی واحد، به محاسبه یکسانی در مورد نحوه مواجهه با تمدن اسلامی رسیده و پس از آن، هر یک از این بخش‌ها، به انجام وظایف خود در قالب این طرح، به مثابه سربازها و یا فرماندهان یک ارتش، همت گم‌گشته‌اند.

در مواجهه و فتوای امام، نفس رویکرد، هدف را محقق کرده، حتی اگر هدف به صورت عینی اتفاق نیفتد و رشدی ترور نشود، چرا که او به عنوان فردی گستاخ، فرصت زندگی مطلوب را از دست داده و این در حالی است که غرب، به جز اندک جبهه‌گیری‌های رسانه‌ای، نتوانست هیچ اقدام ویژه‌ای در برهم زدن این وضع انجام دهد، بنابراین اهداف هشدار گونه این رویکرد نیز محقق شده است

از این منظر، سیاستمداران غربی، تلاش خود را بر ناپودی و یا انحراف حرکت‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه ملت‌های مسلمان متمرکز کرده، سرمایه‌داران غربی به طرف استعمار هر چه بیشتر منابع این ملت‌ها حرکت می‌کنند، نیروهای نظامی و امنیتی غرب خواهان وارد کردن سنگین‌ترین ضربات به زیرساخت‌های ملی و منطقه‌ای مسلمانان بوده و البته یک مهره فرهنگی، همچون سلمان رشدی نیز در این صحنه، به انجام وظیفه خود مشغول است!

◀ **موشک‌باران داعش در عراق بارمز «عماد مغنیه»**

هفته گذشته در جریان پاکسازی منطقه «جبال مکحول» واقع در استان صلاح الدین عراق، به مناسبت ایام سالروز شهادت «عماد مغنیه»، موشک‌هایی با نام این فرمانده فقید حزب الله لبنان به قلب لانه‌های عناصر داعش شلیک شد. این عملیات که از سوی یگان موشکی مقاومت اسلامی نجباء انجام شد، از روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه آغاز و تا سه شنبه ادامه یافت. رزمندگان نجباء طی این سه روز، ده‌ها موشک دور برد و راکت دست‌ساز را با نام «نار الشهید القائد عماد مغنیه» به کمین گاه‌ها، انبارهای مخفی تسلیحاتی و تجمعات تروریست‌های تکفیری نشانه رفتند. گفتنی است، امنیت منطقه «جبال مکحول» پس از پایان عملیات آزادسازی و پاکسازی بیچی، به مقاومت اسلامی نجباء محول شده است. شهید عماد مغنیه معروف به حاج رضوان فرمانده جهادی حزب الله لبنان، بهمن ۸۶ در یک عملیات تروریستی در دمشق به شهادت رسید.



اکنون بیش از ۲۰ سال از طرح نظریه پایان تاریخ توسط فرانسویس فوکویاما (۱۹۸۹) می‌گذرد، نظریه‌ای که ابتدا در معرض نقد و بررسی‌های گسترده محافل دانشگاهی قرار گرفته و سپس در آزمایشگاه تاریخ، به آزمون گذاشته شد.

نگاهی ساده به سرنوشت این نظریه به ما نشان می‌دهد که نه تنها در آزمون تاریخی خود به سختی شکست خورد، بلکه حتی در رهاورد‌های نظری نیز به سختی قابل دفاع بوده و اگر فضای سیاسی امنیتی آن زمان در حمایت از نظریه پایان تاریخ مساعد نبود، شاید هیچ‌گاه مورد اقبال واقع نمی‌شد.

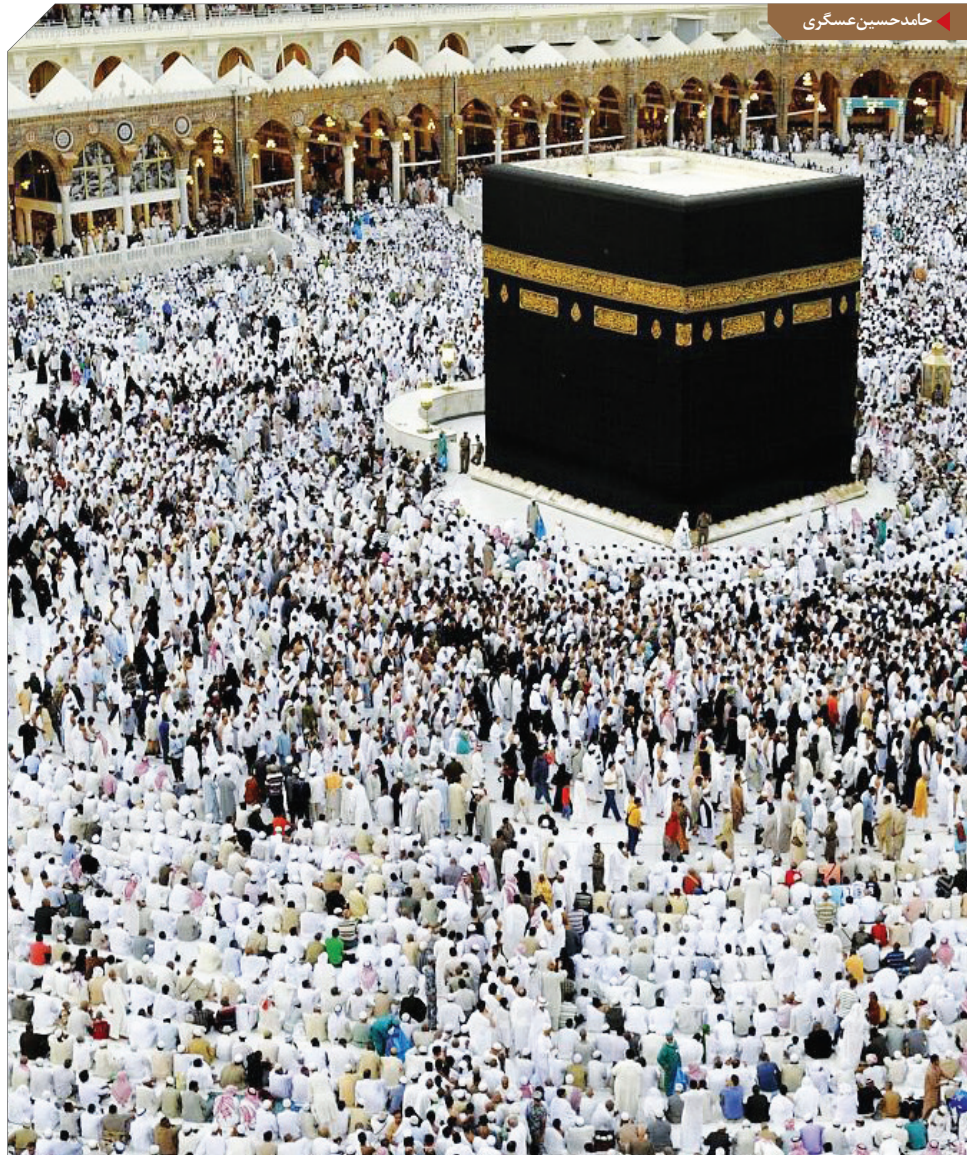
اما واقعیت تاریخی آن است که نظریه پایان تاریخ، دست کم برای دو دهه، مبنای مواجهه غرب با سایر تمدن‌ها، به ویژه تمدن اسلامی بود؛ نظریه‌ای که به سادگی، تفوق لیبرال دموکراسی غرب و آمریکا را بر تمامی جریان‌های طول تاریخ بشر ادعا کرده و با غرور تمسخرآمیزی، خواهان به رسمیت شناخته شدن این ادعا از سوی سایر ساکنین بی‌تمدن کره زمین است! در حقیقت، از دید رهبران جهان غرب، آنان در مورد تمدن اسلامی، با پیکر بی‌جانی روبرو بودند که از تمام شکوه و تمدن پیشین خود هیچ به همراه نداشتند و فاقد هر گونه روح و اراده‌ای برای حرکت و یا حتی دفاع از خود است؛ واضح است که تالی چنین پیش فرضی، آمادگی همه جانبه برای به غارت بردن تمامی سرمایه‌ها و منابع تمدن اسلامی، به مثابه تمدنی پایان یافته است و در حقیقت، مبنای فکری پدیده استعمار نیز چیزی جز این نیست.

ردپای این رویکرد استعماری را در تمامی راهبردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی غرب در قبال ملت‌های مسلمان، طی سالیان گذشته، می‌توان دید. یکی از تهاجم‌ها و دست‌درازی‌ها به حریم امت اسلامی در این برهه از تاریخ، تهاجم فرهنگی است که یکی از مشهورترین مصادیق آن را می‌توان، مورد سلمان رشدی و کتاب آیه‌های شیطانی به شمار آورد.



در نشست‌های دمشق مطرح شد: بیش از سه دهه حمایت ایران از فلسطین

نشست فکری با عنوان «سی و هشتمین سال حمایت انقلاب اسلامی ایران از فلسطین در مقابله با صهیونیسم»، ۱۸ بهمن ماه به همت رابرتی فرهنگی ایران و با همکاری انجمن دوستی ایران و فلسطین در سوریه در محل تالار امام خمینی (ره) نمایندگی فرهنگی کشورمان در دمشق برگزار شد. در ابتدای این مراسم، تامر مصطفی، دبیر کل جبهه مقاومت ملی فلسطین طی سخنانی، مطالبی را در خصوص انقلاب اسلامی ایران و حمایت آن از ملت فلسطین بیان کرد. خالد عبدالمجید، دبیر کل جبهه مقاومت ملی فلسطین نیز در سخنانی به مرور سی و هشتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخت. وی افزود: نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت از فلسطینی‌ها به ویژه در اردوگاه‌های فلسطینی خارج از فلسطین و حمایت از خانواده‌های شهدای فلسطین جای تقدیر و تشکر دارد. ما فلسطینی‌ها تا کیمید می‌کنیم که مقاومت ملی فلسطین همچنان در سنگر محور مقاومت باقی خواهد ماند.



حامد حسین عسگری

کنگره عظیم «حج» در قفس آل سعود

«بیت المقدس» ضرورت مدیریت حج توسط کشورهای اسلامی را بررسی می‌کند:

همگی نشان می‌دهد که نگاه آل سعود به اداره امور حجاج، چگونه است.

این وضعیت بطور خاص در حج ۹۴ و در جریان دو حادثه سقوط جرنقیل در مسجدالحرام با ۱۰۷ کشته و فاجعه منا با ۷۷۰۰ جان‌باخته در یاد مسلمانان جهان باقی ماند و برای همیشه کام آنها را تلخ کرد.

شاید سیاهه رفتارهای مشکوک آل سعود در اداره حج که در سه مورد گفته شده خلاصه می‌شود، کمترین دلیل برای این مطالبه باشد که دست این خاندان باید از حرمین شریفین که ملجأ و مأوی مظلومان و مسلمانان است، کوتاه شود.

جای خالی امنای بلاد در میزبانی ضیوف الرحمن

حضرت امام خمینی (ره) در پیام تاریخی خود به مناسبت کشتار حجاجان در حج ۶۶ تأکید کردند که «اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خداراندارند و جز تأمین آمریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان بر نمی‌آید... به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بیرحمی عمل کرده‌اند، موفق نمی‌شودیم و حقا که این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده‌اند.» این تلنگر صریح و بی‌پرده امام امت، از سال گذشته و بعد از فاجعه منا، جدی‌تر از قبل و به شکل‌های مختلف بر زبان اندیشمندان جهان اسلام جاری و به یک مطالبه عمومی تبدیل شد که اداره حج باید از رژیم سلطنتی آل سعود گرفته شده و به هیأتی متشکل از امنای بلاد اسلامی سپرده شود تا هم اهداف کنگره عظیم حج تأمین شود و هم از تهدید جان حجاج جلوگیری شود. سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان سوم مهر ماه سال گذشته، یک روز بعد از فاجعه منا در گفتگو با المنار، با تأکید بر اینکه اجازه ندادن عربستان به مشارکت دیگران در مدیریت حج غیر قابل توجیه است، گفت: «من گمان می‌کنم که این مسأله باید در سازمان همکاری اسلامی بررسی شود و دو طرح پیش رو خواهد بود: طرحی برای اداره موسم حج و طرحی برای تشکیل هیات نظارت متشکل از نمایندگان کشورهای اسلامی که تعداد زیادی حاجی دارند»

این ایده دبیر کل حزب الله از سوی دیگر اندیشمندان جهان اسلام نیز مطرح شد؛ از جمله بیش از ۳۰ تن از علما و روحانیون اهل تسنن پاکستان در شهر یومره امسال در پیامی مشترک نسبت به شیوه اداره حج از سوی عربستان سعودی اعتراض کرده و سپردن این مسأله به گروهی متشکل از سایر کشورهای اسلامی را خواستار شدند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در پیام امسال حج که در غیاب حجاجان ایرانی در سرزمین وحی، خطاب به حجاج کشورهای اسلامی صادر شد، هشدار گونه تأکید کردند: «جهان اسلام، اعم از دولتها و ملت‌های مسلمان باید حاکمان سعودی را بشناسند و واقعیت هتاک و بی‌ایمان و وابسته و مادی آنان را بدرستی درک کنند؛ باید به خاطر جنایاتی که در گستره جهان اسلام به بار آورده‌اند، گریبان آنها را رها نکنند؛ باید به خاطر رفتار ظالمانه آنان با ضیوف الرحمن، فکری اساسی برای مدیریت حرمین شریفین و مسأله حج بکنند. کوناهای در این وظیفه، آینده امت اسلامی را با مشکلات بزرگ‌تری مواجه خواهد ساخت»

فریادهایی جسته و گریخته از دیگر بلاد اسلامی نیز شنیده شد و هنوز هم شنیده می‌شود، اما باید دید اراده ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در رهاندن حج از قفس ظلم آل سعود، چقدر است و چه زمانی به اقدام منتهی خواهد شد.

سرزمین حجاج علاوه بر منابع سرشار نفتی، یک منبع درآمدی دیگر نیز برای خاندان دست‌نشانده سعودی دارد که همان، درآمد قابل توجهی است که سالانه از محل سفر عمره‌گذاران و حجاج به عربستان نصیب خاندان سلطنتی

بر عربستان، حج را نه تنها بستری برای وحدت و امنیت جهان اسلام نمی‌داند که با رفتارها و سیاست‌های خود، از سویی جان و حرمت حجاج را در حرم امن الهی تهدید می‌کند و از سوی دیگر، بذل تفرقه و بددلی و برادر کشی را به

«... آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت ندارند و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره‌ای ببینند...»؛ این اشاره کوتاه و صریح، تنها بخشی از پیام تاریخی بنیانگذار انقلاب اسلامی است که در موسم حج ۱۳۶۶ و در پی کشتار بی‌رحمانه حجاج بیت‌الله الحرام صادر و بر ضرورت خلع ید آل سعود از حرمین شریفین تأکید کردند. «حج» به عنوان یکی از اجتماعی‌ترین آیین‌های اسلامی از گذشته تاکنون، همواره مورد توجه اندیشمندان و علمای مسلمان بوده است؛ حضور صدها هزار نفری با حتی میلیونی حجاج از کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی با رنگ‌ها و فرهنگ‌های مختلف در مکان و زمان واحد، جلوه‌ای کم‌نظیر از وحدت و یکپارچگی امت اسلام است که می‌تواند فرصت‌های بسیاری را برای همگرایی امت پیامبر (ص) و درمان دردهای ریشه‌دار و قدیمی مسلمانان فراهم کند. از رهگذر موسم حج، هم به یک واجب شرعی عمل می‌شود و هم ظرفیتی کم‌نظیر برای همبستگی و رشد جمعی مسلمانان و رساندن پیام و اندیشه آنان به دیگر ملت‌ها ایجاد می‌شود؛ اما گذر زمان و ماهیت حاکمان سرزمین حجاج، این فرصت باشکوه را در برخی مقاطع به تهدیدی برای جان و حیثیت مسلمانان و بالاتر از آن، به خطری برای وحدت و همگرایی امت محمد (ص) تبدیل کرده است.

این تهدیدها به جایی رسیده است که امروز بیش از قبل، اندیشمندان و صاحب‌نظران در جهان اسلام، از ضرورت خلع ید رژیم آل سعود از حرمین شریفین و اداره حج توسط امنای بلاد اسلامی تأکید می‌کنند؛ ایده‌ای که روز به روز ضرورت آن بیش از گذشته احساس می‌شود. مرور کوتاه و گذرا بر حواشی مناسک حج در بیش از چهار دهه اخیر، نشان می‌دهد که خاندان سلطنتی حاکم

شاید سیاهه رفتارهای مشکوک آل سعود در اداره حج که در سه مورد گفته شده خلاصه می‌شود، کمترین دلیل برای این مطالبه باشد که دست این خاندان باید از حرمین شریفین که ملجأ و مأوی مظلومان و مسلمانان است، کوتاه شود

می‌شود، اما بخش عمده‌ای از این درآمدها صرف پیگیری اهداف رژیم آل سعود در کشورهای منطقه نظیر یمن، بحرین و سوریه می‌شود و نتیجه آن هم جنگ‌افروزی و کوبیدن بر طبل ناامنی در منطقه و تأمین منافع رژیم صهیونیستی است.

تهدید جان حجاج و فاجعه آفرینی در کنار حرم امن الهی ایام حج در چهار دهه اخیر به طور دائم شاهد تکرار فجایعی بوده است که در خوشبینانه‌ترین حالت ناشی از سوءتدبیر و بی‌تفاوتی آل سعود نسبت به جان و حرمت زائران حرم الهی است؛ در برخی موارد هم که عیان‌تر از آن است که با خوشبینی از کنار آن بگذریم، بسعیت و بیرحمی میزبان، خون میهمانان را بر خاک سرزمین وحی ریخته است.

از فجایع و آتش‌سوزی‌های دهه ۵۰ در حج تا کشتار مسلمانان یوزبه حجاج ایرانی در مراسم برات از مشرکان حج ۶۶ و در نهایت، حوادث خونبار سال‌های اخیر در حج که نمونه تاریخی آن، فاجعه سال گذشته منا بوده است،

نمایندگی از نظام سلطه در دل مسلمانان می‌کارد.

ترویج سلطنتی‌گری و وهابیت

شاید ترویج افکار خطرناک وهابیت یکی از مرسوم‌ترین عادات آل سعود در موسم عمره و حج است که از یک طرف با گماردن مبلغان دست‌پرورده دستگاه حکومتی در ایام عمره و حج و از سوی دیگر، با تهدید و ارباب برای انجام آزادانه اعمال پیروان همه مذاهب اسلامی در مدینه و مکه و ایجاد محدودیت‌های خارج از عرف، دنبال می‌شود.

این سیاست وقتی خطرناک‌تر و تلخ‌تر جلوه می‌کند که نتایج آن در کشورهای منطقه غرب آسیا یوزبه عراق و سوریه دیده شود. ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی و تکفیری با اشاره و خط‌دهی کشورهای غربی و آتش‌افروزی ۵ سال اخیر در سوریه و عراق، تنها نمونه‌ای از نتایج پاشیدن بذل تفرقه و وهابیت در دل مسلمانان است که امروز آل سعود آن را در فرصت حج، بارنگ و شیوه‌های مختلف دنبال می‌کند.

درآمدزایی از حج و هزینه در یمن بحرین و سوریه



◀ معاون دبیر کل جمعیت الوفاق بحریں: انتخاب ما استراتژی مسالمت آمیز به وسیله مقاومت مدنی مسالمت آمیز است

شیخ حسین الدیبهی معاون دبیر کل جمعیت الوفاق بحریں هفته گذشته به مناسبت سالروز انقلاب ۱۴ فوریه بحریں در سخنانی که از شبکه تلویزیونی اللؤلؤة بطور زنده بخش می شد با اشاره به مورد هدف قرار گرفتن آیت الله عیسی قاسم توسط رژیم آل خلیفه، به بند کشیدن و محاکمه شیخ علی سلمان، علما و شخصیت‌های انقلابی و منحل شدن جمعیت‌های مختلف سیاسی و مذهبی و مردمی مانند الوفاق، أمل و التوعیه و مجلس علمای بحریں و مرکز حقوق بشر، گفت: نظام از طرق مختلف در راه بسوی حل سیاسی در بحریں بسته است و اینها نشان از عدم وجود نیتی برای آشتی ملی دارد و اینکه این نظام راهی جز حل امنیتی و نظامی نمی شناسد. از این رو نیاز به یک فرآیند سیاسی دموکراتیک متکامل حاصل از مذاکرات سیاسی جدی و تحت نظارت بین المللی برای انجام همه پرسی ملی و تشدید فشار بین المللی بر نظام در این راه فوری و ضروری است. مشارکت سیاسی کامل در هر فرآیند سیاسی حق طبیعی شهروندان بحریں است.

قلب زمین

اردوغان در دریای خون کودکان مظلوم «الباب» غرق می شود

رامین ولی زاده میدانی



ورود غیر قانونی ترکیه به شمال سوریه در حالی تداوم می یابد که آنکارا اخیراً اعلام کرده که ارتش این کشور پس از پاک سازی الباب هم از سوریه خارج نمی شود. دلیل این موضوع مشارکت ترکیه در عملیات رقه عنوان شده است. طبق سیاست‌های اعلامی ترکیه، ناپودی YPG و داعش در سوریه هدف این کشور در این دخالت غیر قانونی است؛ اما آیا واقعاً سیاست‌های اعمالی ترکیه نیز در همین راستا قرار دارد؟

گرچه اردوغان، رئیس جمهور ترکیه اخیراً اعلام کرده که ارتش ترکیه با شکست YPG و داعش در سوریه نخواهد ماند؛ اما باید توجه داشت که وی در همین سخن به این امر نیز اشاره داشته که هنوز صحبت درباره این موضوع زود است؛ بر این اساس ابهاماتی در این باره به وجود می آید.

ورود ترکیه به شمال سوریه مشروعیت ندارد و دخالت در سرزمین این کشور محسوب می شود. حال در این بین توجه به اهداف اصلی آنکارا پرده از واقعیت‌های این اقدام برمی دارد. ترکیه ادعا می کند که در الباب دست به پاک سازی تروریست‌ها می زند. با این حال کشتار مردم عادی آن چه توجیهی می تواند داشته باشد؟ آیا ترکیه صرفاً به دنبال بیرون راندن تروریست‌ها از الباب است؟ همان طور که ابتدای نوشتار بیان شد، YPG نیز مورد هدف ترکیه قرار دارد. موضع گیری ترکیه مبنی بر مبارزه با داعش و YPG و PYD در رقه نیز در تداوم سیاست‌های غیر مشروع ترکیه قرار دارد.

حتی تصور مبارزه ترکیه با داعش نیز دخالت غیر قانونی ترکیه را مشروع نمی سازد؛ چرا که آنکارا بدون اجازه دولت مرکزی دمشق اقدام به دخالت در شمال سوریه کرده است. مخالفت‌های مردم سوریه با دخالت‌های ترکیه نیز شاهدهی دیگر بر عدم مشروعیت این اقدام است. اگر کمک‌های چندین ساله آنکارا به داعش در نظر گرفته شود، ادعای ترکیه مبنی بر مبارزه با این تروریست‌ها چگونه قابل تفسیر است؟ آیا ترکیه با کسانی می جنگد که روزی ورود آن‌ها به سوریه را فراهم ساخته است؟

بر همین اساس ادعای ترکیه برای مبارزه با داعش در عرصه میدانی با تردیدهایی همراه است. گرچه می توان گفت که آنکارا نمی تواند کنترل همه جانبه‌ای بر تروریست‌ها داشته باشد و امنیت ملی این کشور از این حیث به خطر می افتد؛ اما چرا ترکیه زمان کمکرسانی به این گروه‌ها چنین موضعی را مدنظر نداشت؟ چنین ابهام‌هایی باعث می شود که اهداف آنکارا در سوریه در قالب بزرگ‌تری بحث شود.

اظهارات اردوغان در چند ماه گذشته مبنی بر عدم پذیرش توافق نامه ۱۹۱۸ لوزان حکایت از واقعیت ماجرای دخالت‌های ترکیه در سوریه و عراق داشت. مرزهای کنونی ترکیه بر اساس توافق نامه مذکور ترسیم شده است؛ اما اردوغان تأکید دارد که مرزهای «میثاق ملی» باید مجدداً برقرار شود. حلب، رقه، موصل و کرکوک در داخل مرزهای میثاق ملی قرار داشت پس می توان گفت چشم داشتن اردوغان به شهرهایی از سوریه و عراق موجب شده است که آنکارا دخالت مستقیمی در سوریه داشته باشد.

موضوع مهم دیگری نیز در اهداف پشت پرده دخالت‌های ترکیه تعریف می شود که آن مسأله کردهای شمال سوریه در کلتون‌های عفرین، جزیره و کوبانی است. آنکارا قدرت گرفتن کردها در این مناطق را در تقابل با امنیت ملی خود قلمداد می کند؛ لذا لشکر کشی به شمال سوریه و کشتار مردم در مناطقی چون الباب اهدافی پشت پرده به دنبال دارد. تردید اردوغان از احتمال خروج ترکیه بعد از عملیات رقه نیز در همین چارچوب قابل تفسیر است. این موضوع نشان می دهد که اردوغان لزوماً به خاطر دفع خطر داعش در سوریه به این کشور دخالت نکرده است که حال ناپودی این گروه‌های تروریستی موجب اتمام عملیات ترکیه در سوریه شود. خیال پردازی‌های اردوغان

حکایت از بازی شکست خورده ترک‌ها در سوریه دارد. بحران سوریه ضربه‌های سنگینی بر تن ترکیه وارد ساخته است که به این زودی ترمیم پیدا نمی کند. بر این اساس تداوم حضور ترکیه در شمال سوریه و دخالت در عملیات‌های الباب و رقه موجب فرورفتن بیشتر ترکیه در باتلاق سوریه خواهد شد و بی شک آنکارا در باتلاق خون کودکان مظلوم الباب غرق می شود.

افکار عمومی مردم سوریه و منطقه نسبت به دخالت‌های غیر قانونی آنکارا در سوریه و عراق حساس شده است. علاوه بر این شاخص‌های اقتصادی ترکیه به دنبال کاهش ضریب امنیتی نشان می دهد که این

است. اردوغان علیه حکومت مشروع کشوری اقدام کرده است که روزی رئیس جمهور آن را «عزیزم» خطاب می کرد. حال بعد از گذشت شش سال از کمک‌های همه جانبه ترکیه و برخی از متحدان منطقه‌ای غربی‌ها به تروریست‌ها، دولت مشروع و قانونی دمشق پابرجا است و تروریست‌ها روز به روز شکست‌های بیشتری را متحمل می شوند.

آزادسازی حلب یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های محور مقاومت علیه گروه‌های تروریستی بود. حال نیز اقدام ترکیه بلافاصله پس از آزادی حلب، در الباب و تصمیم این کشور برای دخالت در عملیات رقه، دستاورد موفقی

و ادعاهای دولت حاکم ترکیه بر مناطقی از سوریه و عراق قابل چشم پوشی نیست؛ لذا کشتار مردم بی گناه در این مناطق نیز احتمالاً اهمیت چندانی برای آنکارا ندارد.

تصاویری از کشتار کودکان بی گناه الباب از سوی ترکیه چنان تلخ است که هر انسان منصفی را به واکنش وادار می سازد؛ اما در این بین عدم توجه سازمان‌های حقوق بشری و بین المللی نسبت به این کشتارها تلخ تر است. در حالی که موجی از اعتراض‌ها نسبت به دخالت‌ها و کشتارهای ترکیه در شمال سوریه و عدم توجه سازمان‌های بین المللی نسبت به آن در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده است. حمایت‌ها از



اظهارات اردوغان در چند ماه گذشته مبنی بر عدم پذیرش توافق نامه ۱۹۱۸ لوزان حکایت از واقعیت ماجرای دخالت‌های ترکیه در سوریه و عراق داشت. مرزهای کنونی ترکیه بر اساس توافق نامه مذکور ترسیم شده است؛ اما اردوغان تأکید دارد که مرزهای «میثاق ملی» باید مجدداً برقرار شود.

کشور در طی چند سال گذشته بافت رشد اقتصادی مواجه شده است. کاهش چشمگیر حضور تروریست‌ها در ترکیه به دنبال نامن شدن شهرهای این کشور از ضربه‌های دیگر بر بیکر نیمه جان اقتصاد آن است. امنیت شهرهای ترکیه در حال حاضر زیر سوال رفته است و انفجارهای متوالی حکایت از تداوم بحران در این کشور دارد؛ بنابراین آیا آنکارا بازنده این بازی نبوده است؟

برای این کشور در پی نخواهد داشت. آنکارا به زعم خود مبارزه با داعش را نوعی اصلاح چهره تروریست پرور خود می داند؛ اما اسناد مختلف از کمک‌های ترکیه به گروه‌های تروریستی، چنین هدفی را ناکام می گذارد. به نظر می رسد مبارزه آنکارا با کردهای شمال سوریه نیز موفقیت چندانی در پی نخواهد داشت. حمایت‌های چندین ساله واشنگتن از PYD و اعتراض‌های همیشگی ترکیه نسبت به این حمایت‌ها

مظلومیت مردمان مظلوم الباب به خصوص زنان و کودکان بی گناهی که زیر حملات بی رحمانه ارتش ترکیه قرار گرفته‌اند، چهره واقعی حاکمان کنونی ترکیه را به تصویر کشیده است. حکومت ترکیه در حالی عنوان اسلام‌گرایی را پوششی برای خود قرار داده است که مسلمانان مظلوم در سوریه و عراق چند سال است در آتشی می سوزند که بخشی از هیزم آن را سیاست‌های اشتباه اردوغان تأمین کرده



ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
ویژه جهان اسلام
مدیر مسؤول و سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی

دبیر تحریریه: روح الله فرقانی فدافن
تیم هنری: علی باقری، سید محمد حسینی
طراحی نامواره: سید میثم عرب عامری
www.qudsonline.ir

دختر غزه

علی فردوسی

وقت است دگر مُشت کنی دست دعا را
فریاد کنی نغمه «القدس لنا» را
آینه حق شو که ببینند و بمیرند
این لشکر خفاش صفت نور خدا را
زان خون که شتک می زند از سینه سخت
تطهیر بده ز خم دل سبزه قبارا
شب خیمه بر افراشته در غربت غزه
آواره هر کوی و گذر کرده صبارا
وقت است به دریا بزند سینه سینا
دل های به تنگ آمده از جور و جفارا
هم سوک پسر دارد و هم داغ برادر
ای خلق! ببینید عیان کرب و ولارا
جولان بده، ای سعی عطشناک در این خاک
تا کم نکند تشنه لبی سمت صفارا
وقت است که یک بار دگر سنگ ابابیل
در هم شکنند لشکر ظلم خلفارا
یک دست تو گل، دست دگر سنگ، بشوران
آن خوی اشدائی قوم رَحما را
روزی برسد باز مگر دختر غزه
در باد به رقص آورد آن زلف رها را

خیلی دور خیلی نزدیک



◀ جوان انقلابی بحرینی در منطقه «الدراز» در مقابل نیروهای امنیتی رژیم آل خلیفه ایستاده و مبارز می طلبد او در یک دست اشک آور شلیک شده توسط دژ خیمان را گرفته و در دست دیگر سنگ دارد.

آخرین اخبار انقلاب بحرین رادر «وفاقیون» دنبال کنید



انقلاب بحرین در حالی ششمین سالگرد آغاز خود را اخیرا پشت سر گذاشت که حجم تحولات و حوادث در این جزیره کوچک سیر صعودی گرفته است و روز به روز جنایت های رژیم آل خلیفه علیه انقلابیون که به صورت مسالمت آمیز اعتراضات خود را مطرح می کنند، افزایش می یابد. در این میان جمعیت الوفاق بحرین که از اصلی ترین گروه های مخالف حکومت است، فعالیت های خود را در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی افزایش داده است. پس از تاسیس کانال تلگرامی Wafaqion که از مدت ها پیش به زبان عربی اخبار این کشور را پوشش می داد، از هفته قبل کانال تلگرامی فارسی و صفحه اینستاگرامی فارسی «وفاقیون» هم فعالیت خود را در این زمینه آغاز کرده است. در معرفی این کانال آمده است که: «راه ما راه مرجعیت و علماست» انتشار آخرین اخبار فعالیت های انقلابیون و جنایت های آل خلیفه مهمترین بخش این کانال است که با سرعت قابل قبولی صورت می گیرد. همچنین تصاویر این رخدادها و نیز فیلم های متعدد از تحولات بحرین بخش دیگر مطالب این کانال را شکل می دهد. اطلاع رسانی برنامه ها، تجمعات و راهپیمایی های انقلابیون در کنار زمان بندی بخش برخی برنامه های تلویزیونی شبکه الولوه هم جزو مطالب وفاقیون قرار داد. این کانال از طریق آدرس https://t.me/farsi_wafaqion قابل دسترسی است و صفحه اینستاگرامی آن هم به این آدرس <https://www.instagram.com/farsi.wafaqion> قابل مراجعه است.

«اطلس رهبران»، کتابی که «باید» خواند



کتاب «اطلس رهبران» یک شمای کلی از جریانات جهان اسلام و آنچه امروز در آن جریان دارد، ارائه می دهد. در این کتاب از هر جریان بزرگ جهان اسلام اندیشه ها و آرای یک نفر به عنوان رهبر آن بررسی شده و البته در ذیل آن به رویکردها و مواضع آن جریان نیز پرداخته شده است. در واقع بیش از آن که به شخص رهبر پرداخته شود به جریان مورد نظر پرداخته می شود. افرادی مانند یوسف قرضاوی، طاهر القادری، فتح الله گولن، مصطفی بسری، محمد تقی عثمانی، اسحاق حوینی، ذاکر نایک، ابوبکر البغدادی، محمد طیب، عبدالله بن بیه، ابومحمد المقدسی، صفوت حجازی و... از جمله کسانی هستند که آرای آنان در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. امتیاز کتاب در این است که اولاً به جریان های حال حاضر جهان اسلام و رهبرانی که هم اکنون در قید حیات هستند پرداخته است و ثانیاً سعی کرده توصیفی منصفانه و بی طرفانه از این جریانات به دست دهد که با ذهنیت های شکل گرفته توسط رسانه ها تفاوت زیادی دارد. در این کتاب چیزهایی را می خوانیم که هیچ جای دیگر نخوانده و نشنیده ایم. امتیاز دیگر اطلس رهبران این است که از منظری راهبردی به جریانات مختلف جهان اسلام نگاه کرده و سعی کرده به شیوه ای علمی نسبت آنان با تفکر انقلاب اسلامی را بررسی کند. این نوع بررسی که برای جمهوری اسلامی حیاتی است، شاید برای اولین بار است که به صورت جدی اتفاق می افتد. «اطلس رهبران» کتابی است که خلا آن در ایران به شدت احساس می شود. خواندن اطلس رهبران برای هر کس که می خواهد در حوزه جهان اسلام کار کند مفید و حتی ضروری است. بی دلیل نیست که با گذشت یک سال از انتشار این کتاب حاشیه ها و چالش ها بسیار زیاد شده است. در اوضاع و احوال آشفته بازار نشر کتاب چاپ سوم یک کتاب تخصصی در عرض یک سال خیلی کم اتفاق می افتد. کتاب «اطلس رهبران» در ۵۱۶ صفحه، قطع رقعی، با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۸۰۰۰ تومان از سوی دفتر نشر معارف عرضه شده است.

روایتی از مقاومت ماندگار مردم لبنان در «۳۳ روز»



فیلم «۳۳ روز» به کارگردانی جمال شورجه و بر اساس حوادث مستند و واقعی جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان ساخته شده است. در این فیلم به برخی از اتفاقات ۳۳ روز نبرد و درگیری رژیم صهیونیستی با رزمندگان حزب الله لبنان پرداخته شده است و مقاومت اهالی روستای عینا الشعب در جنوب لبنان را طی جنگ ۳۳ روزه نشان می دهد. «۳۳ روز» با همکاری مشترک بنیاد سینمایی فارابی و حزب الله لبنان و مساعدت ارتش و دولت لبنان تهیه شده است. در این فیلم که نویسنده آن علی دادرس است و به تهیه کنندگی مهدی همایونفر تولید شده همه بازیگران از سوریه و لبنان انتخاب شده اند که عبار تنداز، پیر داغر (اوی)، باسم مغنیه (محمد)، یوسف الخال (یوسف)، کارمن لبوس (ام عباس)، نسریین طافش (حنان)، کنیدا علوش (نسرین)، دارین حمزه (هانان) و زبان فیلم هم عربی است که البته با زیرنویس فارسی در ایران به نمایش در آمد. همچنین بخش هایی از فیلم به زبان عبری است که در نسخه اصلی هم به زبان عربی زیرنویس شده است. ۳۳ روز در بسیاری از کشورهای دنیا و از جمله کشورهای عربی اکران شد و در برخی از جشنواره های بین المللی هم حضور یافت اگر چه بخش آن در برخی کشورها هم با حواشی همراه بود. حتی برخی گروه های سیاسی اکران آن در بعضی از مناطق لبنان را هم با مشکل مواجه کردند.